

تحلیل انتقادی برداشت مفسران و فقیهان از عبارت ﴿عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ و برگردان آن در ترجمه‌های فارسی

رامین طیاری نژاد^{۱*}، قاسم فائز^۲

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲- استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۳۱

دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱۶

چکیده

دانش ترجمه عهده‌دار انتقال معارف از زبان مبدأ به زبان مقصد است. این جریان انتقال با توجه به پیچیدگی‌های خاص ساختار و اسلوب زبان مبدأ، گاهی مشکل است. این امر درباره قرآن که از سویی فرهنگ زبانی مستقلی دارد و از سویی متنی مقدس (غیربشری) است، اهمیت مضاعف می‌یابد. یکی از موارد مشکل که در اغلب ترجمه‌های فارسی رخ نموده است، معادل‌یابی‌هایی است که از عبارت ﴿عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ در آیه ۲۹ سوره توبه صورت پذیرفته و منشأ صدور احکام فقهی نیز شده است. این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی، سعی دارد ضمن ارزیابی آراء مفسران، فقیهان و مترجمان در دلالت‌یابی و ترجمه آیه، معادل دقیق فارسی آن را ارائه نماید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بسیاری از مفسران و فقیهان و قریب به اتفاق مترجمان، بر اثبات تذلیل و تحقیر اهل کتاب در حال پرداخت جزیه تأکید کرده‌اند. این در حالی است که تذلیل جزیه‌دهندگان با معنای لغوی صاغر و حوزه معنایی آن در قرآن و با روایات و سنت اسلامی در تعارض است. در نهایت پس از بررسی‌ها این نتیجه حاصل شد که معنای هماهنگ با لغت و آیات و روایات، عبارت «تا در حد توان در حالی که منزلت پایینی را پذیرفته‌اند، جزیه بپردازند»، خواهد بود که در غالب ترجمه‌های مورد بررسی در این پژوهش، رعایت نشده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، ترجمه قرآن، ﴿عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾، جزیه، اهل کتاب

۱- مقدمه و بیان مسئله

برگردان معنا از زبان مبدأ به زبان مقصد، اصلی‌ترین رسالتی است که دانش ترجمه عهده‌دار آن است. انتقال معنا تنها مؤلفه مورد نظر در ترجمه نیست و قلمرو آن تا انتقال احساس‌گوینده یا مؤلف و سبک زبان نیز توسعه می‌یابد. رسالت انتقال معنا، با توجه به اقتضائات گوناگون زبان مبدأ از جمله ساختارهای دستوری، بلاغی، اسلوبی، گفتمانی و نیز توجه به خصوصیات گوینده، مثل احساسات، انگیزه‌ها و صفات او یک رسالت تشکیکی و ذومراتب است؛ به این معنا که به جای تعبیر «ترجمه صحیح»، بهتر و دقیق‌تر آن است که تعبیر «چه میزان صحیح» به کار رود. ترجمه وقتی درباره قرآن کریم مطرح می‌شود، اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ هم از این رو که قرآن، زبان مستقلی دارد و این هویت مستقل زبانی، تمایزات روشنی با زبان عرب ایجاد می‌کند و نیز از آن رو که قرآن کریم کلام خدا و کتاب پیامبر خاتم^(ص) است و جاودانگی از اصلی‌ترین ویژگی‌های آن است. عنصر جاودانگی باعث آن است که ترجمه در هر عصری بتواند خود را متناسب با مقتضیات آن عصر بدون آن‌که از چهارچوب معانی خارج شود، بازآفرینی کند. آیاتی با کارکردهای عقیدتی یا فقهی که اساس حیات علمی و عملی مسلمانان هستند، نیازمند توجه دقیق‌تری در ترجمه می‌باشند و آن آیاتی که با ساحت حیات اجتماعی مسلمانان مرتبطند، ضرورت حیاتی‌تری خواهند داشت. بر این اساس، گاهی ترجمه‌های نادرست از این آیات، منشأ صدور آرای فقهی نادرست شده است.

عبارت «عَنْ يَدِهِ وَهُمْ صَاغِرُونَ» در آیه «فَاتْلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (توبه / ۲۹) از همین آیات است که از سویی منشأ صدور احکام فقهی نادرست شده است و از دیگر سو حیات اجتماعی مسلمانان با اهل ذمه را تحت تأثیر سوء قرار داده است.

۲- سوالات تحقیق

بر اساس آنچه بیان شد، پژوهش حاضر درصدد است با روش تحلیلی توصیفی و بررسی همه مشتقات و موارد کاربرد قرآنی واژگان به کار رفته در عبارت مورد بحث در کتب لغت، تفاسیر و روایات با تکیه بر حوزه معنایی مشترک، به پرسش‌های زیر پاسخ بدهد:

- چه نقدهایی بر معنای مفسران و فقهاء و مترجمان قرآن از آیه وارد است؟
- معادل دقیق عبارت ﴿عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ چیست؟

ذکر این نکته حائز اهمیت است که معادل‌یابی دقیق ترکیب ﴿عَنْ يَدٍ﴾ با توجه به چندمعنایی بودن آن، وابستگی تعیین‌کننده‌ای به ترجمه «صاغر» دارد؛ بنابراین تکیه این پژوهش عمدتاً بر معادل‌یابی واژه «صاغر» است تا به عنوان یکی از قرائن و مرجحات معنایی ﴿عَنْ يَدٍ﴾، نهایتاً یکی از وجوه معانی برای ﴿عَنْ يَدٍ﴾ برتری یابد.

در این مقاله، تلاش شده دامنه وسیعی از ترجمه‌های کهن و معاصر فارسی مورد ارزیابی قرار بگیرند. از این رو، در میان نمونه‌های کهن بر ترجمه‌های طبری، نسفی، سورآبادی، کشف‌الأسرار، ابوالفتح رازی و در میان نمونه‌های معاصر بر ترجمه‌های آیتی، الهی قمشه‌ای، برزی، پورجوادی، حلبی، خواجه‌ی، رضایی، سراج، فولادوند، فیض‌الاسلام، مجتبوی، مشکینی، معزی، انصاریان، مکارم شیرازی و کاویان‌پور تکیه شده است.

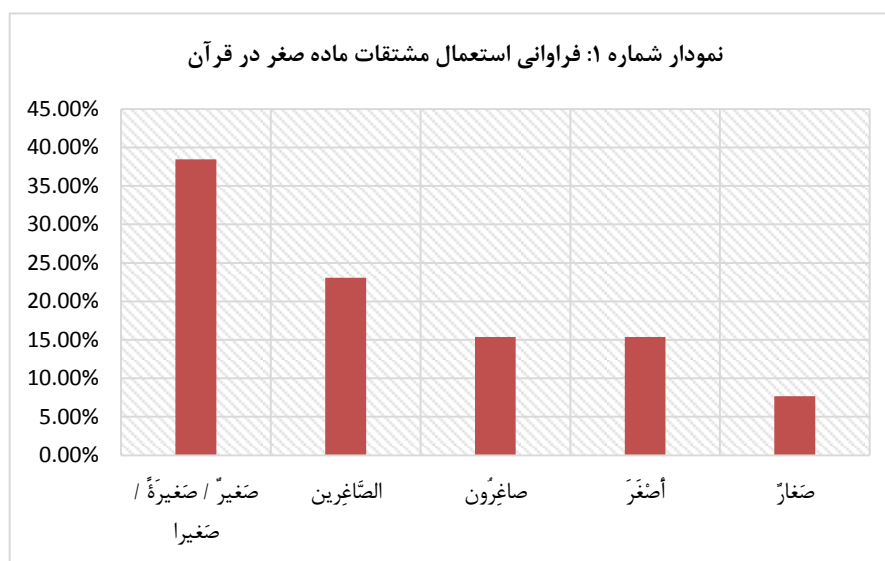
۳- پیشینه تحقیق

درباره پیشینه تحقیق نیز مطابق جست‌وجوی انجام شده، مقالاتی ناظر به آیه ۲۹ سوره توبه تألیف شده است؛ از جمله مقاله «بازخوانی تفسیری جزیه اهل کتاب در آیه ۲۹ توبه» (صباغچی، ۱۳۹۹) که در مجله مطالعات تفسیری به چاپ رسیده است. تمرکز این مقاله بر عمومیت یا عدم عمومیت آیه بر اهل کتاب و در نتیجه مشمولان پرداخت جزیه از اهل کتاب است. مقاله دیگر «تشکیل دولت اسلامی؛ مبارزه با اهل کتاب» است که بر محور آیه ۲۹ سوره توبه نگارش یافته و در مجله درس‌هایی از مکتب اسلام در سال ۱۳۴۰ منتشر

شده است. این مقاله نیز به هدف اسلام از مقابله با اهل کتاب و دریافت جزیه از آنها پرداخته است. در مجموع زاویه بحث دو مقاله مزبور که یکی بر شمول پرداخت جزیه و دیگری بر هدف دریافت جزیه تمرکز دارند، کاملاً متفاوت با مسئله این تحقیق است که بر کیفیت پرداخت و دریافت جزیه از طریق معادل‌یابی صاغرون متمرکز است.

۴- موارد استعمال ماده «صغر» در قرآن کریم

این ماده با مشتقاتش ۱۳ مرتبه در ۱۱ سوره از قرآن کریم استعمال شده است. نمودار زیر، انواع و میزان کاربرد مشتقات مستعمل از این ماده در قرآن کریم را نشان می‌دهد:



تحلیل انتقادی برداشت مفسران و فقیهان از عبارت «عَنْ يَدِهِ وَهُمْ صَاغِرُونَ» _____ رامین طیاری نژاد و قاسم فائز

آیات ۱۳ گانه‌ای که مشتمل بر مشتقات نمودار شماره ۱ هستند، عبارت از (بقره/ ۲۸۲)، (أنعام/ ۱۲۴)، (أعراف/ ۱۳)، (أعراف/ ۱۱۹)، (توبه/ ۲۹)، (توبه/ ۱۲۱)، (یونس/ ۶۱)، (یوسف/ ۳۲)، (إسراء/ ۲۴)، (کهف/ ۴۹)، (نمل/ ۳۷)، (سبأ/ ۳) و (قمر/ ۵۳) می‌باشند.

بررسی این آیات نشان می‌دهد که ماده «صغر» در دو حوزه معنایی عمده به‌کار رفته است: یک حوزه معنایی، «بیان حالت یا شأن مخاطب» است که مربوط به مشتقات «الصَّاغِرِينَ، صَاغِرُونَ، صَغَارٌ» می‌شود. حوزه معنایی دیگر، «سنجش کمی» است که هفت مورد از آیات را شامل می‌شود و طبق نمودار، فراوانی نسبتاً بیشتری دارد. بر این اساس، واژه «صَاغِرُونَ» با واژگان الصَّاغِرِينَ، صَاغِرِينَ و صَغَارٌ در حوزه معنایی مشترک قرار دارند.

۵- بررسی معنای «صَاغِرٌ» در آراء اهل لغت

کتب لغت از کهن تا معاصر، درباره واژه صَاغِرٌ تقریباً آراء مشترکی ارائه نموده‌اند؛ فراهیدی صَاغِرٌ را ذیل ماده صِغَرٌ به معنای کسی دانسته که راضی به پذیرش ستم شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۳۷۲). صَاغِرٌ از «صِغَرٌ» در تقابل با «کِبَرٌ» می‌باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۹۰ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۴۵۸ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۸۵ و مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۶: ۲۴۴). به گفته ابن فارس، هرچند ماده صِغَرٌ بر قَلَت و حقارت دلالت دارد، صَاغِرٌ به معنای رضایت‌دهنده به ظلم است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۹۰).

در کنار رضایت‌دهنده به ظلم و با توجه به ملحوظ بودن مفهوم حقارت و پستی در ماده صِغَرٌ، صَاغِرٌ همچنین به کسی اطلاق می‌شود که خودش پستی و حقارت را پذیرفته و به آن رضایت داده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۴۵۹).

راغب اصفهانی نیز عبارت «الرَّاضِي بِالْمَنْزِلَةِ الدُّنْيَا» را در بیان معنای صَاغِرٌ به‌کار برده است که در واقع همان معنایی را افاده می‌کند که دیگران با تعبیر متفاوت مطرح کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۸۵). در مجموع معلوم می‌شود هرچند مفاهیم «ذَلَّت، پستی و حقارت» در معنای ماده صِغَرٌ نشسته‌اند، در عین حال صَاغِرٌ به کسی اطلاق می‌شود که از روی اختیار به منزلت پایینی تن داده است بدون اینکه این منزلت از خارج به او تحمیل

شده باشد. به تعبیر دیگر، صاغر کسی است که خود زمینه تنزل خویش به قدر و منزلت پائینی را فراهم آورده است، حال آن که می‌توانست در جایگاه شایسته‌تری باشد. عسکری در الفروق فی اللغة در بیان تفاوت میان الذل و الصغار، به وجه تقابل صاغر با کبر و تکبر تصریح نموده است (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۴۴). این در صورتی است که الذل با العزّه رابطه متضاد دارد و لذا صِغَر در تضاد با العزّه قرار ندارد تا معنای آن الذله باشد. در مجموع مبتنی بر بررسی‌ها لغوی و استفاده از برخی آیات مشترک در حوزه معنایی، باید میان ذلت با صغار تفکیک نمود. بر این اساس، صاغرون کسانی هستند که می‌توانستند جایگاه بهتری داشته باشند، اما خودشان اینطور نخواستند و به منزلت پست‌تری راضی شده‌اند.

۶- بررسی معنای «صاغر» در آراء مفسران

همانطور که در سطور پیشین به نقل از آراء اصحاب لغت ذکر شد، از آیه ۱۳ سوره اعراف که می‌فرماید: ﴿قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ﴾ استفاده می‌شود که صاغر معنای مقابل کبر و تکبر است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸: ۳۰ و ج ۷: ۳۴۰). مفسران ذیل آیه ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ (توبه/ ۲۹)، معانی متفاوتی مطرح نموده‌اند که بعضی از آن‌ها، حاوی دلالت‌های فقهی نیز می‌باشد و در دو دسته کلی قابل ارائه است:

۶-۱- اطلاق صاغرون بر تذلیل و تحقیر

بسیاری از مفسران اینطور گفته‌اند که جزیه باید در حالت تذلیل و تحقیر از اهل کتاب گرفته شود؛ به نحوی که جزیه‌دهنده در حالت ایستاده و جزیه‌گیرنده نشسته باشد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۶۳ و ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۳ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۳۴ و فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶: ۲۶ و طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۲۰۳ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۳۳۴ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۲۷۲ و جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۶۶۰). دیدگاه ابن عطیه اندلسی از این جهت که جزو رجال سیاسی

تحلیل انتقادی برداشت مفسران و فقیهان از عبارت «عَنْ يَدِهِ وَهُمْ صَاغِرُونَ» _____ رامین طیار، نژاد و قاسم فائز

حکومت اسلامی مرابطون در اندلس بوده است، اهمیت دارد. بعضی مفسران حتی به کیفیت این تذلیل نیز پرداخته‌اند؛ طبری بیان داشته که اهل کتاب باید بر سبیل تذلیل و تحقیر با دست خود و به صورت پیاده بیایند و جزیه را تحویل بدهند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰: ۷۸). صاحب مجمع ضمن تأکید بر اخذ جزیه بر سبیل ذلت و حقارت از اهل کتاب، قید اجبار را نیز اضافه نموده است؛ به این معنا که آن‌ها به اجبار به جایگاه پرداخت جزیه برده می‌شوند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۳۴).

ابن کثیر با استعمال تعابیر شدیدی که بر عمق تحقیر اهل کتاب دلالت دارد و استناد به روایتی از ابوهریره در صحیح مسلم، بر این عقیده است که گرفتن جزیه از اهل کتاب باید با تحقیر و تذلیل و توهین به آن‌ها همراه باشد (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۴: ۱۱۷). منهج الصادقین به این صورت آورده که از اهل کتاب جزیه گرفته شود و در همان حال، مشتی به گردن جزیه‌دهنده کوبیده شود (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۴: ۲۵۴).

۶-۲- تأکید بر حفظ احترام جزیه‌دهندگان

آراء تفسیری دیگری علی‌رغم تفسیر مذکور، بر این عقیده‌اند که گرفتن جزیه از اهل کتاب، باید با حفظ احترام آن‌ها باشد؛ همانطور که در سنت اسلامی چنین بوده است. منظور از صاغرون نیز خضوع اهل کتاب در برابر حکومت اسلامی است، نه اینکه جزیه به‌طرز تحقیرآمیزی از آن‌ها ستانده شود؛ چرا که این طرز فعل، با روح تعلیمات اسلام، آموزه‌های دینی سازگار نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹: ۲۴۲ و فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۱: ۷۸ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۳۵۴).

۷- بررسی معنای «صاغِر» در آراء فقهی

یکی از حوزه‌های اختلاف رأی در زمینه معنا و دلالت «صاغرون»، حوزه فقه شیعی و سنی است؛ در این حوزه نیز با دو دیدگاه عمده مواجه هستیم:

۷-۱- تذلیل اهل ذمه در هنگام پرداخت جزیه

بعضی از فقیهان امامیه و فقیهان شافعیه بر اهانت و تذلیل اهل ذمه در هنگام پرداخت جزیه حکم داده‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲، ج ۶: ۲۸۹). این برداشت‌ها باعث شده تا نظام جزیه در اسلام از سوی بعضی از مستشرقین مورد طعن واقع شود (کلانتری، ۱۴۱۶: ۴۶). شیخ مفید در تفسیر خود و نیز در کتاب فقهی المقنعه، روایت «وَ كَيْفَ يَكُونُ صَاغِرًا وَ هُوَ لَا يَكْتَرُثُ لِمَا يُؤْخَذُ مِنْهُ حَتَّى لَا يَجِدَ دُلًّا لِمَا أُخِذَ مِنْهُ فَإِلَّا لِدَلِيلِكَ فَيُسَلِّمَ» را به عنوان روایت صحیح ذیل آیه آورده است (مفید، ۱۴۱۰: ۲۷۳). شیخ صدوق با آوردن همین روایت بر این دلالت تأکید کرده که شخص ذمی در حال پرداخت جزیه باید ذلت را بپوشد تا بر اثر آن دچار تألم شود و در نتیجه اسلام آورد (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲: ۵۱). قطب‌الدین رواندی ضمن تأکید بر تحقیر و تذلیل جزیه‌دهنده، بیان می‌کند که جزیه‌گیرنده باید در حالت نشسته جزیه را بگیرد (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۲۵۷). علامه حلی نیز به وجوب پرداخت جزیه در حالت تحقیر تصریح نموده است (حلی، ۱۴۱۴، ج ۹: ۳۱۳). فاضل مقداد در تفسیر فقهی خود بر این حالت تصریح کرده است؛ و اقوالی را مورد اشاره قرار داده که بر نشستن جزیه‌گیرنده و ایستادن جزیه‌دهنده و نیز ضربه کوبیدن به پشت گردن جزیه‌دهنده تأکید ورزیده‌اند (فاضل مقداد، ۱۴۱۹، ج ۱: ۳۶۳). شافعی طبق این آیه حکم داده که اهل ذمه باید با سر خمیده جزیه بپردازند و گرفتن جزیه از ذمی باید همراه با گرفتن موی صورت او و ضربه زدن به او باشد (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱: ۲۴۸). امام خمینی ناظر به آیه مورد بحث و دلالت «صاغرون»، سخن روشنی ندارند؛ الا اینکه در ضمن بحث از کمیّت جزیه، این نکته را بیان کرده‌اند که بهتر است کمیّت جزیه به عهده امام معصوم علیه‌السلام گذاشته شود تا از این طریق، صغار و ذلت‌مورد نظر قرآن کریم، تحقق یابد (خمینی، ۱۳۷۹: ۸۹۵). این دیدگاه هرچند در اصل تذلیل جزیه‌دهنده با نظرات مزبور مشترک است، در کیفیت این تذلیل تفاوت عمده دارد و آن اینکه صرف موکول کردن مقدار جزیه به حاکم اسلامی و خارج کردن آن از عقد ذمه، خودش موجب تذلیل و حقارت جزیه‌دهنده خواهد بود.

۷-۲- نفی هرگونه اهانت و تذلیل اهل ذمه در هنگام پرداخت جزیه

در این میان، عده دیگری از فقهاء دیدگاه دیگری ارائه کرده‌اند؛ شیخ طوسی در المبسوط، مراد از صاغرون در آیه را التزام عملی به احکام مسلمین و اجرای آن احکام بر اهل ذمه عنوان کرده است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۸ و ۴۳). همچنین برخی بر احترام اهل ذمه در زمان حیات و ممات آن‌ها همانطور که مسلمانان مورد احترام هستند، تأکید کرده‌اند (خرازی، ۱۴۲۳، ج ۳: ۱۰ و هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲، ج ۶: ۲۸۹). آیت‌الله خامنه‌ای نیز به‌طور قاطع دیدگاهی که قائل به تذلیل و تحقیر و توهین اهل ذمه می‌باشد را رد می‌کند؛ از نظر ایشان، این برداشت از آیه و واژه صاغرون، با اصل «کرامت انسان» و نیز آیات قرآن و سیره حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام در تعارض آشکار است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۹۳ و ۱۹۴).

۸- معادل‌یابی صاغرون در ترجمه‌های منتخب

برگردان عبارت «حَتَّى يُغْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (توبه / ۲۹) در ترجمه‌های کهن فارسی به شرح ذیل است:

- ترجمه طبری: «...تا بدهند گزیت را از دست بنقد پس پشت خویش و ایشان باشند در آن حال کمی دهند خواران و نشکوهان» (مترجمان، ۱۳۵۶، ج ۳: ۶۸۰).
- ترجمه سورآبادی: «تا آن گه که بدهند جزیت را بخواری» و آنگاه در ادامه کیفیت این خواری را نیز بیان نموده است: «و ایشان خواران باشند که ایشان را بر پای کنند و گریبان گیرند و بدارند تا آن جزیت بخواری بدهند» (سورآبادی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۹۲۵).
- ترجمه کشف‌الاسرار: «تا آنکه که گزیت دهند از دست خود نقد و ایشان خوار و کم آمده» (رشیدالدین میبدی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۱۱۰).
- ترجمه نسفی: «تا آنکه [که] جزیه پذیرند و به دست خود بدهند و ایشان خواران» (نسفی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۳۶۲).

- ترجمه ابوالفتح رازی: «تا آنکه که جزیت بدهند از دست خود به پیغامبر و امام در آن حال که ذلیل و صاغر باشند» (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۹: ۲۱۵).
- و در ترجمه‌های معاصر فارسی به این شرح است:
- ترجمه معزی: «تا جزیه پردازند از دسترنج خود (با دست خود یا به جای خود) و ایشانند سرافکندگان» (معزی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۹۱).
- ترجمه فیض الاسلام: «تا اینکه بدست خود جزیه و مال و دارایی که قرار شده پردازند بدهند در حالی که ذلیل و خوار باشند» (فیض الاسلام، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۶۶).
- ترجمه مجتبی: «تا آنگاه که به دست خود جزیه دهند در حالی که خواران باشند» (مجتبی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۹۱).
- ترجمه مشکینی: «تا آنها با کمال تسلیم و ذلت به دست خویش و تحت قدرت حکومت اسلامی جزیه پردازند» (مشکینی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۹۱).
- ترجمه آیتی: «تا آن گاه که به دست خود در عین مذلت جزیه بدهند» (آیتی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۹۱).
- ترجمه الهی قمشه‌ای: «تا آن گاه که با دست خود با ذلت و تواضع جزیه دهند» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۹۱). این ترجمه «تواضع» را در ترجمه «صاغرون» در آیه مورد بحث در کنار «ذلت» به کار برده است. این شیوه در ترجمه می‌تواند حاکی از این باشد که مترجم، میان معنای «ذلت» و «تواضع» مردد بوده و صحت هر دو را احتمال می‌داده است.
- ترجمه انصاریان: «تا با دست خود در حالی که [نسبت به احکام دولت اسلامی] متواضع و فروتن‌اند، جزیه پردازند» (انصاریان، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۹۱).
- ترجمه برزی: «تا در حالی که سرافکنده‌اند به دست خویش جزیه پردازند» (برزی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۹۱).
- ترجمه پورجوادی: «تا زمانی که با ذلت و خواری به دست خویش جزیه بدهند» (پورجوادی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۹۰).

تحلیل انتقادی برداشت مفسران و فقیهان از عبارت «عَنْ يَدِهِ وَهُمْ صَاغِرُونَ» _____ رامین طیاری نژاد و قاسم فائز

➤ ترجمه حلبی: «تا اینکه به دست خویش جزیه دهند و آنان خوار شدگانند» (حلبی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۹۱).

➤ ترجمه خواجوی: «تا بدست خود بحقارت جزیه دهند» (خواجوی، ۱۴۱۰: ۷۲).

➤ ترجمه رضایی: «تا اینکه [مالیات] جزیه را به دست خود بپردازند، در حالی که آنان کوچکنند» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۹۱).

➤ ترجمه سراج: «تا آنکه که بدهند جزیه را بدست خود در حالیکه ایشان خوارشدگان باشند» (سراج، بی تا، ج ۱: ۱۹۱).

➤ ترجمه فولادوند: «تا با [کمال] خواری به دست خود جزیه دهند» (فولادوند، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۹۱).

➤ ترجمه مکارم شیرازی: «تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۹۱).

➤ ترجمه کاویان پور: «تا زمانی که جزیه را با دست خود با فروتنی و تسلیم بپردازند» (کاویان پور، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۹۱).

همانطور که مشاهده می شود، تمامی ترجمه های کهن و معاصر فارسی، «خواری و مذلت و حقارت و سرافکندگی» را به عنوان معادل های «صاغرُونَ» برگزیده اند. طبیعی است وقتی پرداخت جزیه با تذلیل و تحقیر جزیه دهنده توأم باشد، ترکیب اضافی «عَنْ يَدِهِ» نیز ترجیحاً به صورت «با دست خود» ترجمه خواهد شد؛ چرا که پرداخت جزیه با دست خود، مناسبت بیشتری با تحقیر و خواری دارد. در این میان تنها سه ترجمه انصاریان، مکارم شیرازی و کاویان پور، معادلی غیر از ذلت را برای «صاغرُونَ» برگزیده اند و آن، تعبیر «تواضع و تسلیم» است. ترجمه الهی قمشه ای هم هر دو تعبیر ذلت و تواضع را احتمال داده است.

۹- دسته بندی و تحلیل آراء لغویان، مفسران، فقیهان و مترجمان

بررسی آراء اصحاب لغت، مفسران، فقهاء و مترجمان ذیل آیه ۲۹ سوره توبه، حاکی از دو نگرش عمده بوده است؛ یکی اینکه اهل کتاب باید در هنگام پرداخت جزیه به دولت

اسلامی، تحقیر و تذلیل شوند و یکی از ابعاد این تذلیل، پرداخت جزیه مستقیماً با دست خودشان است. اکثریت مفسران، فقهاء و مترجمان همین نگرش را برگزیده‌اند. دومین نگرش عمده، بر حفظ احترام جزیه‌دهندگان اهل کتاب تأکید دارد و مذلت آن‌ها توسط کارگزاران دولت اسلامی را رد می‌کند. ذیل نگرش دوم، دو خرده نگاه وجود دارد؛ اول اینکه هرچند پرداخت جزیه باید با حفظ احترام اهل کتاب همراه باشد، اما مستند به ترکیب «عَنْ يَدٍ» در آیه مورد بحث، آن‌ها جزیه را باید مستقیماً با دست خود پرداخت نمایند. نگاه دوم معتقد است هرچند یکی از معانی و دلالت‌های ترکیب «عَنْ يَدٍ»، پرداخت جزیه با دست است، اما وجه معنایی دیگری نیز از این ترکیب محتمل است و آن «قدر و استطاعت» است و این با حفظ احترام اهل ذمه، تناسب بیشتری دارد.

بر مبنای دسته‌بندی ارائه شده، وقت آن است که دیدگاه‌های مطروحه مورد نقد و ارزیابی قرار بگیرند تا دیدگاه مختار به‌طور مستند و مستدل به‌دست آید.

۹-۱- بررسی صاغرون در آیات ملحق به حوزه معنایی مشترک

تمرکز این پژوهش روی بررسی و ارزیابی ترجمه‌های کهن و معاصر در برگردان واژه صاغرون در آیه ۲۹ سوره توبه بوده است. این واژه با دیگر مشتقات صغار، شش آیه را دربرمی‌گیرد که غیر از آیه مورد بحث، سایر آیات به این ترتیب می‌باشند:

﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى تُؤْتِيَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ رَسُولُ اللَّهِ أَغْلَمَ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ﴾ (أنعام / ۱۲۴)

﴿قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ﴾ (أعراف / ۱۳)

﴿فَعَلَّيْنَا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ﴾ (أعراف / ۱۱۹)

﴿ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ (نمل / ۳۷)

﴿قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ وَ لَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَ لَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَ لَيَكُونَا مِنَ الصَّاغِرِينَ﴾ (يوسف / ۳۲)

آیات این حوزه معنایی مشترک، نقش تعیین کننده‌ای در تبیین معنای واژگان مشترک دارد؛ به نحوی که هم می‌توانند در تبیین معنای لغات نقش ایفا نمایند و هم اینکه پس از بررسی‌های لغوی، می‌توان نتایج آن را به آیات حوزه معنایی مشترک عرضه نمود و میزان صحت نتایج را بر مبنای آن‌ها سنجید. معنای لغوی ارائه شده از صاغر با دیگر آیات داخل در حوزه معنایی مشترک کاملاً سازگار است. آیات به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۹-۱-۱- آیه صد و بیست و چهارم سوره أنعام

آیه ۱۲۴ سوره أنعام به دنبال آیه ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَ مَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ﴾ (أنعام / ۱۲۳) و در نسبت با آن آمده است. از لفظ «اکابر» در این آیه استفاده شده است که صغار در آیه ۱۲۴ سوره أنعام، مقابل معنای «کبر» می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷: ۳۴۰) و این دیدگاهی است که بسیاری از اهل لغت به آن تصریح کرده‌اند و در سطور پیشین ذیل بررسی لغوی صاغر بیان شده است. تقابل معنایی صغار با کبر، حاکی از تفاوت معنایی صغار با الذل است؛ زیرا نقیض الذل العزّه می‌باشد و معنای مقابل صغار، العزّه نیست که با ذلت مترادف داشته باشد. آنچه از عبارت ﴿سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ﴾ برمی‌آید، این است که اکابر مجرمان، گرفتار دو عقوبت می‌شوند: یکی اینکه گرفتار صغار نزد خداوند می‌شوند و دیگری اینکه دچار عذاب شدید خواهند شد. از تقابل معنایی اکابر با صغار و نیز به قرینه ﴿عِنْدَ اللَّهِ﴾، استفاده می‌شود که صغار حکایت از پایین آمدن منزلت مجرمانی دارد که قبلاً ادعای بزرگی و سروری بر دیگران می‌کردند، حال آنکه این ادعا در واقع منزلت آن‌ها نزد خداوند را پایین آورد. این منزلت پایین نیز نتیجه طبیعی رفتار خود آن‌ها است. عذاب شدید نیز طبعاً بر عقوبت عینی آن‌ها در جهنم ظهور دارد.

۹-۱-۲- آیه سیزدهم سوره اعراف

در آیه ۱۳ سوره اعراف، با مفهوم «هبوط» مواجه هستیم که ابلیس به خاطر تکبری که ورزید، باید به آن تن بدهد؛ هبوط ابلیس در واقع حاکی از نوعی تنزل از جایگاهی رفیع به جایگاهی پست است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۹۰ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۶۲۱). نکته مهم این است که زمینه اصلی این تنزل مقام را خود ابلیس ایجاد کرده است؛ به این معنا که میان سجده بر آدم و حفظ منزلت والا و استکبار و استنکاف از سجده و سقوط به جایگاه پایین، راه دوم را برگزید و به آن رضایت داد و لذا هبوط می توانست اتفاق نیافتد اگر ابلیس استکبار نمی ورزید.

۹-۱-۳- آیه صد و نوزدهم سوره اعراف

در آیه ﴿فَعْلَبُوا هَٰذَا لَكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ﴾ (اعراف / ۱۱۹) که از شکست سحره فرعون در برابر اعجاز حضرت موسی (ع) حکایت می کند، با مفهوم «انقلاب» مواجه هستیم که بر نوعی بازگشت به سابق دلالت دارد؛ گویی ساحران فرعون که تا پیش از این، از رفعت جاه و شأن نزد فرعون و مردم برخوردار بودند، پس از شکست در برابر اعجاز حضرت موسی، به جایگاه پست سابق بازگشت نمودند. صاحب تفسیر الکاشف با استعمال تعبیر «بعد از آن غرور و کبریا» ذیل آیه، به همین معنا اشاره کرده است (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳: ۳۷۸).

۹-۱-۴- آیه سی و هفتم سوره نمل

آیه ۳۷ سوره نمل، همزمان مشتمل بر هر دو واژه الذلّ و الصغار می باشد. زمخشری ذیل همین آیه ۳۷ میان معنای الذلّ با الصغار تفکیک نموده است و الصغار را به معنای بازگشت از منزلت بالاتر (پادشاهی) به منزلت پایین تر (اسارت و دوری از وطن) بیان نموده و تلویحاً نقش تأکیدی صاغرون برای اذله که بعضی اینگونه پنداشته اند را رد کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۳۶۷). صاحب التحقیق با عنایت به مجموع آیاتی که مشتمل بر مشتقات ماده صغر است و در یک حوزه معنایی مشترک قرار دارند نیز میان صغر و الذلّ تفکیک کرده

تحلیل انتقادی برداشت مفسران و فقیهان از عبارت ﴿عَنْ يَدِهِ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ رامین طیارى نژاد و قاسم فائز

است. ایشان چنین تفکیکی را با استناد به آیه ۳۷ سوره نمل انجام داده است که از زبان حضرت سلیمان (ع) در تهدید ملکه و قوم سبأ بیان شده و صاغر را پس از الدل آورده است: ﴿ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَ لَنَخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَ هُمْ صَاغِرُونَ﴾. از نظر ایشان، کلمه الدله وقتی استعمال می شود که از خارج بر کسی تحمیل شود؛ همچنانکه در این آیه، ذلت اهل سبأ به قدرت سپاه حضرت سلیمان نسبت داده شده است و لذا در صاغر، نمی تواند معنای ذلت وجود داشته باشد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۶: ۲۴۴).

۹-۱-۵- آیه سی و دوم سوره یوسف

در آیه ﴿قَالَتْ قَدْ لَبِئْتَ الَّذِي لَفُتْنِي فِيهِ وَ لَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِي فَاسْتَعْصَمَ وَ لَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيَسْجَنَ وَ لَيَكُونَا مِنَ الصَّاغِرِينَ﴾ (یوسف / ۳۲)، صاغرین درباره حضرت یوسف (ع) به کار رفته است. حضرت یوسف (ع) از جایگاه نزدیک و مخصوصی نزد عزیز مصر برخوردار بود. حالا حفظ این جایگاه یا تنزل مقام به حبس در زندان، منوط به پذیرش درخواست همسر عزیز مصر از سوی حضرت یوسف (ع) شده است. عبارت ﴿لَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ﴾ کاملاً بر فعل اختیاری یوسف دلالت دارد؛ به این معنا که نوع کنش گری اوست که جایگاه و منزلت او را معین می کند. در نهایت ایشان بین این دو فعل، محبوس شدن در زندان را ترجیح می دهد: ﴿قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ﴾ (یوسف / ۳۳) بنابراین صاغرین درباره ایشان، حاکی از رضایت دادن به منزلت پایینی مثل زندان در مقابل با منزلت رفیعی مثل همنشینی با عزیز مصر است. ابن عربی در تعلیل صاغرین، از زبان زلیخا به گونه ای می نویسد که کاملاً بیان گر چنین دلالتی است: «به دلیل فقدان کرامت و عزت پیش ما و بی تفاوتی ما نسبت به او و کناره گیری او از ریاست اشراف و خدمتکاران» (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۳۱۹).

۹-۱-۶- جمع‌بندی

بر این اساس، صاغر و مشتقات آن یعنی «الصغار»، «صاغرین» و «صاغرون» هم در آراء اصحاب لغت و هم در آیات پنج‌گانه حوزه معنایی مشترک بر «رضایت به منزلت پایین در برابر منزلت رفیع در عین کنش‌گری آزادانه» فرد یا افراد صاغر دلالت می‌کند و فاقد معنای ذلت و اهانت به‌گونه‌ای که به‌طور قهرآمیز از خارج تحمیل شود می‌باشد؛ بر این اساس صاغرون در آیه ۲۹ سوره توبه می‌تواند بر کسانی اطلاق شود که در خویش احساس کوچکی می‌کنند نه این که حاکم باید آن‌ها را تحقیر کند. لازم بودن صاغر نیز مؤید همین معنا است؛ یعنی نفس همان جزیه که بهای رهایی آنان از قتل و بردگی است، احساس بدی است که با آنان است و لذا دوست دارند مثل بقیه باشند و چیز اضافه‌تری نپردازند.

۹-۲- بررسی دلالت صاغرون بر مبنای عرضه به کتاب، سیره و روایت

برگردان صاغرون به تذلیل، تحقیر و توهین به اهل ذمه از جانب کارگزاران دولت اسلامی آن هم با آن کیفیت‌هایی که در آراء تفسیری و فقهی بیان شد، با عطوفت اسلامی مغایر است.

۹-۲-۱- تعارض با آیات قرآن درباره اهل کتاب

چنین رفتارهای خشنی با جزیه‌دهندگان اهل کتاب، معارض با دیگر آیات قرآن به‌نظر می‌رسد؛ از جمله آیه ۸ سوره ممتحنه که می‌فرماید: ﴿لَا يَنْهَنُكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يَخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾؛ در این آیه، نیکی و عدالت نسبت به کسانی که بنای مقاتله با مسلمانان ندارند ولو مشرک هم باشند، محبوب خداوند شمرده شده است. توصیه به برّ و قسط، با آن رفتارهای خشونت‌آمیز و تحقیرکننده درباره اهل کتاب که طبق آیه مورد بحث، بنای جنگ هم ندارند، سازگار نیست (کلانتری، ۱۴۱۶: ۴۸). مطابق آیات قرآن کریم، مسلمانان حتی موظف هستند که در گفتار با اهل کتاب، به احسن وجه جدال نمایند: ﴿وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي

تحلیل انتقادی برداشت مفسران و فقیهان از عبارت «عَنْ يَدِهِ وَهُمْ صَاغِرُونَ» _____ رامین طیارى نژاد و قاسم فائز

هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُم وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿عنكبوت / ٤٦﴾ مجادله با اهل کتاب که همان به کار بردن استدلال در برابر آن‌ها است، زمانی احسن به شمار می‌آید که همراه با درشتی و طعن و اهانت نباشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۱۳۸). این آیه بیانگر نوعی همگرایی، تقریب و همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب در سیره گفتاری و رفتاری حضرت رسول (ص) و مسلمین است؛ از آن‌ها می‌خواهد که در برخورد با اهل کتاب، بر اشتراکات تکیه نمایند و آن‌ها را به اتحاد فراخوانند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۷۴).

۹-۲-۲- تعارض با سیره و روایت معصوم درباره اهل کتاب

حضرت رسول (ص) تلاش‌های بسیار در صلح و مسالمت با اهل کتاب کردند؛ پیمان‌نامه‌های ایشان با اهل کتاب، نمونه‌ای از همین تلاش‌ها است. در پیمان‌نامه معروف و عمومی مدینه، بر مساوات با یهود و عدم ستم به آن‌ها تأکید نموده‌اند: «و حقیقتاً هر کسی از یهود از ما تبعیت کند، مشمول یاری و مساوات می‌باشد بدون آنکه مورد ستم قرار بگیرد» (ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۵۰۳ و ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۳: ۲۲۵). ترجمه صاغرون به تذلیل و اهانت به جزیه‌دهندگان اهل کتاب، با سیره و بیان امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره عموم رعیت اعم از مسلمان و غیرمسلمان و به‌خصوص اهل ذمه نیز تعارض دارد. ماجرای مشهور تهاجم بی‌رحمانه اصحاب معاویه به شهر انبار و کشیدن خلخال از پای یک زن یهودی و آنگاه برخورد شدید امیرالمؤمنین علیه‌السلام با این ماجرا با تعبیر «فَلَوْ أَنَّ امْرَأَةً مُسْلِمَةً مَاتَتْ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهَ قُلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا» در خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه آمده است (سید رضی، ۱۴۱۴: ۶۹). همچنین سیاست‌های حکمرانی امیرالمؤمنین علیه‌السلام که بخشی از آن در عهدنامه مالک اشتر نمود یافته است، کاملاً روشن می‌کند که برخورد حکمرانان اسلامی با عموم مردم، باید علی‌السویه، رحمت‌آمیز و از روی محبت باشد: «أَشْعِرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخَّ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (همان: ۴۲۷) بنابراین آموزه‌های روشن قرآنی

و سیره زمامداران اسلامی، حاکی از زیست مسالمت‌آمیز جامعه اسلامی با اهل ذمه و احترام و تکریم آن‌هاست و کمترین تردیدی باقی نمی‌گذارد که تحقیر و اهانت به جزیه‌دهندگان، هیچ نسبتی با مسلک اسلامی و قرآنی ندارد.

۹-۳- بررسی سندی و دلالتی روایت ذیل آیه ۲۹ سوره توبه

روایتی ذیل آیه مورد بحث و در تبیین عبارت «حَتَّىٰ يَغُطُّوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» گزارش شده است که از سوی بسیاری از عالمان و فقهاء متقدم و متأخر شیعه مورد استناد قرار گرفته است. بعید نیست که برگردان واژه «صاغرون» به اهانت و مذلت، مبتنی بر همین روایت شکل گرفته باشد؛ کما اینکه علامه مجلسی در مرآة العقول پس از نقل روایت، با ذکر عبارت «او جزیه را از ذمی بگیرد در حالی که ذمی ایستاده و فرد مسلمان نشسته باشد»، به اقوالی اشاره می‌کند که حالت تحقیر و تذلیل اهل ذمه را مورد تأکید قرار داده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۶: ۱۱۹).

۹-۳-۱- مصادر و اعتبار سندی روایت

این روایت از امام صادق علیه‌السلام نقل شده و در کتب معتبر شیعه الکافی، من لا یحضره الفقیه، التهذیب و الاستبصار به این صورت آمده است که زرارہ می‌گوید: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَا حَدُّ الْجِزْيَةِ عَلَى أَهْلِ الْكِتَابِ؟ وَ هَلْ عَلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مُّوَظَّفٌ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَجُوزُوا إِلَىٰ غَيْرِهِ؟ فَقَالَ ذَاكَ إِلَى الْإِمَامِ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ مَا شَاءَ عَلَى قَدْرِ مَالِهِ بِمَا يُطِيقُ إِنَّمَا هُمْ قَوْمٌ قَدَّوْا أَنْفُسَهُمْ مِنْ أَنْ يُسْتَعْبَدُوا أَوْ يُقْتُلُوا فَالْجِزْيَةُ تُؤْخَذُ مِنْهُمْ عَلَى قَدْرِ مَا يُطِيقُونَ لَهُ أَنْ يَأْخُذَهُمْ بِهِ حَتَّىٰ يُسَلِّمُوا فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ قَالَ ﴿حَتَّىٰ يَغُطُّوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ وَ كَيْفَ يَكُونُ صَاغِرًا وَ هُوَ لَا يَكْتَرِثُ لِمَا يُؤْخَذُ مِنْهُ حَتَّى لَا يَجِدَ ذُلًّا لِمَا أُخِذَ مِنْهُ فَيَأْلَمَ لِذَلِكَ فَيُسَلِّمَ: به امام صادق علیه‌السلام معروض داشتیم که: حدّ جزیه بر اهل کتاب چیست و آیا در این باره مبلغ معینی بر عهده دارند که سزاوار نیست از آن بغیر آن تجاوز کنند؟ پس امام علیه‌السلام فرمود: این امر موکول به نظر امام است و او از هر فردی از

ایشان هر چه بخواهد، به قدر دارائیش و به اندازه طاقتش می گیرد؛ همانا که اهل ذمه گروهی هستند که جان خود را خریده‌اند، تا به بردگی درنیایند یا کشته نشوند و بنابراین جزیه به اندازه طاقتشان از ایشان گرفته می‌شود. امام حق دارد که ایشان را مأخوذ به جزیه سازد تا اسلام بیاورند، زیرا خدای عز و جل فرموده است: «حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ»؛ یعنی تا جزیه را از دست خود بپردازند، در حالی که راضی به این ذلت‌اند. و چگونه شخص ذمی می‌تواند کوچک باشد در حالی که او اهمیتی به آنچه از او گرفته شود نمی‌دهد مگر زمانی که از جهت آنچه از او گرفته شده است، احساس ذلت کند و در اثر آن متألّم شود و آنگاه اسلام بیاورد». بسیاری از عالمان شیعه از جمله شیخ مفید نیز به نقل و تأیید آن مبادرت ورزیده‌اند (مفید، ۱۴۱۰: ۲۷۳).

صدر روایت بر این دلالت دارد که باید از اهل کتاب جزیه گرفت و این جزیه هم به دست امام و حاکم جامعه اسلامی خواهد بود. همچنین از تعبیر «مَا شَاءَ عَلَى قَدْرِ مَالِهِ بِمَا يُطِيقُ» و «فَالْجِزْيَةُ تُؤْخَذُ مِنْهُمْ عَلَى قَدْرِ مَا يُطِيقُونَ لَهُ» نیز استفاده می‌شود که حاکم اسلامی بر مبنای توان و استطاعت مالی اهل ذمه از آن‌ها جزیه می‌گیرد. بخش پایانی روایت حاوی کیفیت اخذ جزیه از اهل کتاب است که توأم با مذلت آن‌ها و در نتیجه اسلام آوردن اهل کتاب تحت تأثیر رنج این ذلت می‌باشد. شیخ طوسی در الاستبصار ذیل باب «مقدار الجزیه» روایت کامل آن را در کنار دیگر روایات که در مقدار جزیه با این روایت اختلاف دارند، با ذکر این سند آورده است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ». ایشان در بیان وجه جمع میان روایات ذیل این باب، متعرض سند روایت نشده است (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۵۳). منظور از حمّاد، حمّاد بن عیسی است که از اصحاب اجماع و اصحاب امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام است. ایشان در کتب رجال با الفاظی چون ثقه و صدوق توصیف شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۴۲ و طوسی، ۱۳۶۳: ۳۳۴). حرّیز بن عبدالله سجستانی که حمّاد از راویان اوست، در فهرست شیخ طوسی توثیق شده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۶۲). بنابراین هم رجال سند روایت مورد بحث، موثق

هستند و هم اینکه در اتصال و پیوستگی میان آن‌ها مشکلی وجود ندارد و لذا روایت به لحاظ سندی، معتبر و صحیح السند محسوب می‌شود.

۹-۳-۲- بررسی دلالت روایت

آنچه در این روایت مورد بحث است، بخش پایانی آن است که به کیفیت اخذ جزیه از اهل کتاب اشاره دارد. مطابق این بخش، جزیه باید با تذلیل و درد و رنج جزیه‌دهنده همراه باشد تا او را وادار به قبول اسلام نماید. درباره این بخش، دو احتمال در معنای آن، وجود دارد که هر دو بررسی می‌شود:

۹-۳-۱- احتمال اول: تذلیل اهل کتاب با هدف اسلام آوردن آن‌ها

یک احتمال این است که منظور تحقیر و تذلیل اهل ذمه توسط حاکمان اسلامی در هنگام دریافت جزیه و با هدف اسلام آوردن آن‌ها باشد؛ این احتمال بنا بر ادله زیر قابل قبول نیست:

- دلالت آن با روشن‌ترین آموزه‌های قرآنی و حتی سایر روایات معارض است؛ اسلام آوردنی که تحت تحقیر و اهانت به شخص باشد، بنا بر تعالیم قرآن و عترت فاقد ارزش است. عبارت صریح «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» در آیه ۲۵۶ سوره بقره، دقیقاً به همین موضوع اشاره دارد. در سبب نزول این آیه چنین نقل شده که عده‌ای از مسلمانان از حضرت رسول درخواست می‌کردند که ایشان همانند حاکمان جبّار با زور و فشار، اقدام به تغییر عقاید مردم کند. این آیه، چنین روشی را ردّ می‌کند و پذیرش دین تحت اجبار و زور را بی‌ارزش تلقی کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۷۹). در پیمان‌نامه عمومی مدینه که در سطور پیشین به بندهایی از آن استناد شد نیز پیامبر خدا این گزاره معروف را قید کرده‌اند: «للیهود دینهم و للمسلمین دینهم: یهود بر دین خود و مسلمانان بر دین خود باشند» (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۵۰۳ و ابن سیدالناس، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۲۸ و قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۸۳). یعنی یهود در دین

و عقیده خود آزاد هستند و کسی نمی‌تواند و نباید آن‌ها را مجبور به اسلام کند. تأمین آزادی اهل کتاب در عقیده، البته منافاتی با نقد عقاید آن‌ها و دعوت آن‌ها به دین حق ندارد. اسلام و قرآن نیز هرچند به انتقاد از عقاید اهل کتاب برخاسته است، اما هرگز اهل کتاب را مجبور به ترک عقیده نکرده است. حتی آن زمان که اهل کتاب اعم از یهود و نصاری و مجوس در ذمه مسلمین قرار گرفتند، مسلمانان خود را ملزم به حفظ معابد آن‌ها می‌دیدند و از تخریب آن‌ها جلوگیری می‌کردند (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۱۲ و ج ۱۴: ۱۱۸). بنابراین بر مبنای آیات صریح قرآن، روایات و سیره معصومین علیهم‌السلام، لاقلاً پذیرش صدور بخشش پایانی روایت مورد بحث از معصوم، مشکل است.

- گزینه دیگری که صدور چنین بیانی را از معصوم بعید می‌کند، روایتی از امام صادق علیه‌السلام است که در آن سخنی از «ذلت» در مورد جزیه نیامده است. این روایت در کافی به نقل از محمد بن مسلم و در ادامه روایت پیشین آمده است. محمد بن مسلم می‌گوید: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَرَأَيْتَ مَا يَأْخُذُ هَؤُلَاءِ مِنْ هَذَا الْخُمْسِ مِنْ أَرْضِ الْجَزِيَّةِ وَ يَأْخُذُ مِنَ الدَّهَاقِينَ جَزِيَّةَ رُءُوسِهِمْ أَمَا عَلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مُوَظَّفٌ؟ فَقَالَ كَانَ عَلَيْهِمْ مَا أَجَاؤُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَيْسَ لِلْإِمَامِ أَكْثَرُ مِنَ الْجَزِيَّةِ إِنْ شَاءَ الْإِمَامُ وَضَعَ ذَلِكَ عَلَى رُءُوسِهِمْ وَ لَيْسَ عَلَى أَفْوَالِهِمْ شَيْءٌ وَ إِنْ شَاءَ فَعَلَى أَفْوَالِهِمْ وَ لَيْسَ عَلَى رُءُوسِهِمْ شَيْءٌ فَقُلْتُ فَهَذَا الْخُمْسُ؟ فَقَالَ إِنَّمَا هَذَا شَيْءٌ كَانَ صَلَاحُهُمْ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ: به امام صادق عرض کردم: آیا این خمس را که آنان از زمین جزیه می‌گیرند و جزیه سرانه‌ای که از دهقانان می‌گیرند می‌بینید؟ آیا در این باره چیز معین و مبلغ مشخصی بر عهده اهل ذمه نیست؟ امام فرمودند: ایشان همان چیزی را برعهده داشتند که خودشان بر خود روا داشته بودند و امام حق دریافت چیزی افزون از آن را ندارد. اگر امام بخواهد آن را به‌صورت سرانه بر ایشان وضع می‌کند و در این صورت، بر اموالشان چیزی نیست و اگر بخواهد بر اموالشان وضع می‌کند و بر سرانه ایشان چیزی نیست. گفتم: پس این خمس

چیست؟ فرمود: همانا که این چیزی است که رسول خدا ص بر اساس آن با ایشان مصالحه کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۵۶۷).

طبق نظر علامه مجلسی در شرح این روایت، منظور محمد بن مسلم از «هؤلاء»، نصارای تغلب است که خلیفه دوم، آن‌ها را به ازای دو برابر کردن پرداخت زکات‌شان، از جزیه معاف کرد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۶: ۱۲۰). اختلاف در میزان دریافت جزیه که توسط خلیفه دوم وضع شد، باعث شده تا محمد بن مسلم در اینجا از حدّ جزیه درباره نصاری پرسش کند که آیا حدّ معینی برای جزیه وجود ندارد؟ در پاسخ امام صادق علیه‌السلام نه تنها هیچ سخنی مبنی بر مذکّت جزیه‌دهندگان وجود ندارد، بلکه از تعبیر «مَا أَجَاؤُوا عَلٰی أَنْفُسِهِمْ» استفاده می‌شود که مطابق آن، تعیین مقدار جزیه به عهده خود اهل کتاب است؛ با این توضیح که دو احتمال درباره معنای «أَجَاؤُوا» وجود دارد: احتمال اول این است که منظور «جواز» باشد به این معنا که «آنچه بر خود روا و جایز می‌دانند، جزیه بدهند» و احتمال دوم همان معنای «جزیه» است؛ یعنی امام علیه‌السلام می‌خواهد بفرماید که این جزیه را باید به همان میزانی پردازند که برای خود عوض معین کرده‌اند. مطابق هر دو احتمال، میزان جزیه به عهده خود اهل کتاب گذاشته شده است، ضمن آنکه در روایت کمترین اشاره‌ای مبنی بر اِذلال وجود ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۹۸).

۹-۳-۲- احتمال دوم: احساس منزلت پایین‌تر بخاطر نفس پرداخت جزیه

اما احتمال دومی در معنای روایت وجود دارد و آن این‌که با توجه به لازم بودن صاغر، منظور این نیست که تذلیل و تحقیر از سوی حاکمان اسلامی به اهل ذمه وارد شود، بلکه نفس همان پرداخت جزیه که بهای رهایی آنان از قتل و بردگی است، احساسِ منزلتِ پایین‌تر نسبت به دیگر افراد جامعه اسلامی را در آن‌ها به وجود می‌آورد. نکته دیگر این‌که برای به وجود آمدن چنین حالتی در اهل ذمه، میزان دریافت جزیه که موکول به امام است، نمی‌تواند کم باشد، بلکه باید در حدّی باشد که آن‌ها احساس تألم نکنند نه اینکه پرداخت جزیه، تفاوتی برای آن‌ها نداشته باشد. آن وقت این احساس و نیز تمایل آن‌ها به هم‌ترازی

تحلیل انتقادی برداشت مفسران و فقیهان از عبارت «عَنْ يَدِهِ وَهُمْ صَاغِرُونَ» _____ رامین طیاری نژاد و قاسم فائز

با مسلمانان جامعه، می‌تواند آن‌ها را به سوی پذیرش اسلام سوق بدهد. این معنا با آنچه در بررسی‌های لغوی و قرآنی درباره صاغِرُونَ انجام شد، هم‌سو می‌باشد. در این صورت، صاغِرُونَ نمی‌تواند به معنای اهانت باشد، بلکه به معنای احساس منزلتِ پایین‌تر نسبت به بقیه افراد جامعه می‌باشد.

۹-۴- بررسی معنای ترکیب «عَنْ يَدِهِ»

حاصل بررسی روایات ذیل آیه ۲۹ سوره توبه این شد که صاغِرُونَ در آیه مورد بحث نمی‌تواند به معنای اِذْلال باشد. مراد روایت همان تسلیم و انقیاد اهل کتاب در برابر قوانین حاکمیت اسلامی است که خودِ این وضع یعنی پرداخت جزیه با نوعی احساس حقارت توأم است. این معنا کاملاً با معانی لغوی صاغِر مطابقت دارد. به این معنا که اهل کتاب می‌توانستند با پذیرش دین حق، شأن و منزلتِ والاتری در جامعه اسلامی داشته باشند، اما حالا که خود به این وضعیت رضایت داده‌اند و نخواسته‌اند به دین پیامبر خاتم‌الکونان بگریزند، در نتیجه با آن‌ها معامله اهل ذمه می‌شود. حاصل بررسی اقوال اهل لغت و مفسران در معنای ترکیب اضافی «عَنْ يَدِهِ» در عبارت «حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» چند قول است:

- «نَقْدًا مِنْ يَدِهِ إِلَى يَدٍ مِنْ يَدْفَعُهُ إِلَيْهِ»؛ یعنی اهل کتاب جزیه را مستقیماً و به صورت نقد با دست خودشان پرداخت کنند (زمخشری، ۱۹۷۹: ۷۱۲ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۳۴ و فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶: ۲۵ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۴۲۴ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۲۷۱). اشکال این قول این است که ترکیبی که به معنای "نقداً" در عربی به کار می‌رود، «يَدًا بِيَدٍ» است نه «عَنْ يَدٍ». از طرفی این قول با معنای صاغِرُونَ که نوعی احساس منزلت اجتماعی پایین است نیز هماهنگ نیست.
- «عَنْ قُدْرَةٍ»؛ در این معنا، يَد استعاره از قدرت است؛ عده‌ای متعلق قدرت را حاکمان اسلامی گرفته‌اند؛ یعنی «عَنْ قُدْرَةٍ لَكُمْ عَلَيْهِمْ». بنابراین اهل کتاب به خاطر قدرتی که شما از آن برخوردار هستید، جزیه بدهند (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۳ و

طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۳۴ و ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۵: ۲۹۴ و طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴۸۷ و فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۶۸۰ و سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۲۸ و شبّر، ۱۴۰۷، ج ۳: ۶۷. عده دیگر با عنایت به روایات ذیل آیه که به توان مالی اهل کتاب در پرداخت جزیه اشاره دارند و نیز معنای برگزیده برای صاغرون، متعلق قدرت را اهل کتاب دانسته‌اند؛ به این معنا که اهل کتاب هر میزان که قدرت و استطاعت داشته باشند، جزیه پرداخت بکنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۹۳).

- ﴿عَنْ يَدٍ﴾ برای تأکید اعطاء باشد؛ چون اعطاء، خود با «ید» انجام می شود (ابن قتیبه، ۱۳۹۸، ج ۱: ۱۸۴ و بغوی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۳۳۵ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۴۲۴ و فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۶۸۰ و ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱۰: ۱۶۶). در اینجا تأکید بر پرداخت جزیه است؛ یعنی در دارالخلافه حاضر شوند و با دست بپردازند. این معنا هرچند با قواعد عربی سازگار است، اما اولاً پرداخت جزیه در سنت فقهی، مستلزم چنین شرطی نیست و ثانیاً چنین شرطی بیشتر اشعار به تذلیل و تحقیر دارد؛ حال آنکه بیان شد که در سنت اسلامی، تأکید بر حفظ احترام اهل کتاب و پرهیز از تحقیر آن‌ها است.

- «عَنْ اسْتِسْلَامِ، أَلْقَى فَلَانٌ بِيَدِهِ، إِذَا عَجَزَ وَ اسْتَسْلَمَ»؛ یعنی تسلیم‌وار جزیه را بپردازند؛ چون اهل کتاب چاره‌ای جز پرداخت جزیه برای خود نمی بینند (ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۱۷۵ و زمخشری، ۱۹۷۹: ۷۱۲ و ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۳). اشکال این قول نیز این است که آیه ﴿عَنْ يَدٍ﴾ است نه «بِیَدٍ». علاوه بر این، ترکیب «القي بيده» نیز معنای مشهورش «با دست انداخت» است نه عاجز شد. قائلان، شواهدی از ادبیات عرب نیز برای ادعای خود اقامه نکرده‌اند.

از این اقوال، در مجموع قول دوم یعنی استعاره گرفتن ید برای قدرت، موجه و مقبول‌تر به نظر می‌رسد؛ کما اینکه در موارد متعددی از آیات قرآن، این استعاره متداول است و درباره این آیه، هم با روایات ذیل آیه هماهنگی دارد و هم با معنای برگزیده برای صاغرون سازگارتر است.

۱۰- نتیجه‌گیری

پس از تحقیق درباره این پرسش‌ها که مفسران و فقهاء چه معنایی از آیه «عَنْ يَدِهِ وَهُمْ صَاغِرُونَ» ارائه کرده‌اند؟ چه نقدهایی بر آنان وارد است؟ معنای دقیق آیه و معادل فارسی آن چیست؟ عملکرد مترجمان چگونه بوده است؟ و بررسی آراء فقهی، تفسیری، لغوی و ترجمه‌ها در این زمینه و نیز پی‌جویی آیات و روایات، نتایج زیر حاصل شد:

۱- واژه صَاغِرُونَ در بسیاری از آراء فقهی و تفسیری و اغلب ترجمه‌های قرآن کریم به معنای تذلیل و تحقیر و اهانت معادل‌یابی شده است؛ مطابق این معادل، جزیه‌گیرنده باید اهل ذمه را در هنگام پرداخت جزیه، تحقیر نماید و ذلت را به آن‌ها بچشانند و یکی از ابعاد این تذلیل، پرداخت جزیه مستقیماً با دست خودشان است و این معنا از ترکیب «عَنْ يَدِهِ» به دست می‌آید.

۲- بررسی لغوی صَاغِر در کتب لغت معلوم می‌کند که هرچند مفاهیم «ذلت»، «پستی»، «حقارت و خضوع» در معنای ماده صغر نشسته‌اند، صَاغِر به کسی اطلاق می‌شود که خود زمینه تنزل خویش را به قدر و منزلت پایینی فراهم آورده است، حال آن‌که می‌توانست در جایگاه شایسته‌تری باشد.

۳- واکاوی موارد استعمال ماده «صغار» در قرآن کریم و سپس کشف آیات حوزه معنایی مشترک با آیه ۲۹ سوره توبه، با معنای لغوی صَاغِرُونَ تناسب و سازگاری دارد؛ به این معنا که صَاغِر و مشتقات آن بر «رضایت به منزلت پایین در برابر منزلت رفیع در عین کنش‌گری آزادانه» فرد یا افراد صَاغِر دلالت می‌کند و فاقد معنای تحقیر و اهانت از جانب حاکم اسلامی است.

۴- عرضه صَاغِرُونَ به معنای تذلیل و تحقیر اهل ذمه از جانب حاکم اسلامی به آیات قرآن، روایات و سیره معصومین علیهم‌السلام نیز حاکی از این است که نه تنها تذلیل و توهین به اهل ذمه اساساً صحیح نیست، بلکه خلاف آیات صریح قرآن، سنت قطعی و روایات است و با اصل کرامت انسانی و احترام به اهل ذمه، تعارض دارد.

۵- در معادل‌یابی ترکیب «عن ید» هرچند توجیهات و احتمالات گوناگونی وجود دارد، سازگارترین معنا برای «عن ید»، «عن قدره لکم» است؛ یعنی «استطاعت و قدرت مالی»؛ به این معنا که حاکم اسلامی در تعیین حدّ جزیه، به توان مالی جزیه‌دهندگان نگاه می‌کند و حداکثر را مقرر می‌کند.

۶- در نهایت دقیق‌ترین معادل برای عبارت مورد بحث، «با اهل کتاب بجنگید تا در حد توان در حالی که منزلت پایینی را پذیرفته‌اند، جزیه بپردازند» می‌باشد.

۱۱- منابع

*قرآن کریم

۱- آلوسی، محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، (۱۴۱۵ق).

۲- آیتی، عبدالمحمد، *ترجمه قرآن آیتی*، چ ۴، تهران: سروش، (۱۳۷۴ش).

۳- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، چ ۴، قم: اسماعیلیان، (۱۳۶۷ش).

۴- ابن سیدالناس، ابوالفتح محمد، *عیون الأثر*، چ ۱، بیروت: دارالقلم، (۱۴۱۴ق).

۵- ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر والتنویر*، چ ۱، تونس: الدار التونسية للنشر، (۱۹۸۴م).

۶- ابن عربی، محی الدین محمد، *تفسیر ابن عربی*، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (۱۴۲۲ق).

۷- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، (۱۴۲۲ق).

۸- ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، چ ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، (۱۴۰۴ق).

۹- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *غریب القرآن*، چ ۱، قاهره: دارالکتب العلمیه، (۱۳۹۸ش).

۱۰- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، *تفسیر القرآن العظیم*، چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، (۱۴۱۹ق).

۱۱- -----، *البدایه و النهایه*، چ ۱، بیروت: دارالفکر، (۱۴۰۷ق).

۱۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، چ ۳، بیروت: دار صادر، (۱۴۱۴ق).

تحلیل انتقادی برداشت مفسران و فقیهان از عبارت ﴿عَنْ يَدِهِ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ رامین طیارى نژاد و قاسم فائز

- ۱۳- ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، چ ۱، بیروت: دارالمعرفه، (بی تا).
- ۱۴- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، چ ۱، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، (۱۴۰۸ق).
- ۱۵- الهی قمشه‌ای، مهدی، ترجمه قرآن الهی قمشه‌ای، چ ۲، قم: انتشارات فاطمه الزهراء، (۱۳۸۰ش).
- ۱۶- انصاریان، حسین، ترجمه قرآن انصاریان، چ ۱، قم: اسوه، (۱۳۸۳ش).
- ۱۷- برزی، اصغر، ترجمه قرآن برزی، چ ۱، تهران: بنیاد قرآن، (۱۳۸۲ش).
- ۱۸- بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، چ ۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).
- ۱۹- پورجوادی، کاظم، ترجمه قرآن پورجوادی، تحقیق: بهاء‌الدین خرمشاهی، چ ۱، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، (۱۴۱۴ق).
- ۲۰- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، چ ۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی، (۱۴۱۸ق).
- ۲۱- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، جلد چهارم، تحقیق: احمد قدسی، چ ۶، قم: اسراء، (۱۳۸۹ش).
- ۲۲- -----، سیره رسول اکرم(ص) در قرآن، تحقیق: حسین شفیعی، چ ۵، قم: اسراء، (۱۳۸۵ش).
- ۲۳- حلبی، علی‌اصغر، ترجمه قرآن حلبی، چ ۱، تهران: اساطیر، (۱۳۸۰ش).
- ۲۴- حلّی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، چ ۱، قم: موسسه آل‌البیت (علیهم السلام) لإحياء التراث، (۱۴۱۴ش).
- ۲۵- خامنه‌ای، علی، تفسیر سوره براءت، چ ۱، تهران: انقلاب اسلامی، (۱۳۹۶ش).
- ۲۶- خرازی، محسن، البحوث الهامه فی المكاسب المحرمه، چ ۱، قم: مؤسسه در راه حق، (۱۴۲۳ق).
- ۲۷- خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، چ ۱، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (۱۳۷۹ش).

- ۲۸- خواجهوی، محمد، ترجمه قرآن خواجهوی، چ ۱، تهران: مولی، (۱۴۱۰ق).
- ۲۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چ ۱، بیروت: دار القلم، (۱۴۱۲ق).
- ۳۰- راوندی، قطب‌الدین، فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام، چ ۲، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، (۱۴۰۵ق).
- ۳۱- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ترجمه قرآن رضایی، چ ۱، قم: موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، (۱۳۸۳ش).
- ۳۲- رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تحقیق: علی اصغر حکمت، چ ۵، تهران: امیرکبیر، (۱۳۷۱ش).
- ۳۳- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چ ۳، بیروت: دار الکتاب العربی، (۱۴۰۷ق).
- ۳۴- -----، اساس البلاغه، چ ۱، بیروت: دار صادر، (۱۹۷۹م).
- ۳۵- سراج، رضا، ترجمه قرآن سراج، چ ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، (بی تا).
- ۳۶- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، تفسیر سورآبادی، تحقیق: علی اکبر سعیدی سیرجانی، چ ۱، تهران: فرهنگ نشر نو، (۱۳۸۰ش).
- ۳۷- سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، چ ۱، قم: هجرت، (۱۴۱۴ق).
- ۳۸- شبّر، سید عبدالله، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، چ ۱، کویت: مکتبة الألفین، (۱۴۰۷ق).
- ۳۹- صاحب جواهر (نجفی جواهری)، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تحقیق: عباس قوچانی، چ ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۳۶۲ش).
- ۴۰- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، (۱۴۱۳ق).
- ۴۱- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، (۱۴۱۷ق).
- ۴۲- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۱، بیروت: دار المعرفه، (۱۴۱۲ق).
- ۴۳- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، (۱۳۷۲ق).
- ۴۴- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، چ ۳، تهران: مرتضوی، (۱۳۷۵ش).

تحلیل انتقادی برداشت مفسران و فقیهان از عبارت ﴿عَنْ يَدِهِ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ _____ رامین طیارى نژاد و قاسم فائز

۴۵- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (بی تا).

۴۶- _____، المبسوط فی الفقه الامامیه، چ ۳، تهران: مرتضوی، (۱۳۸۷ ش).

۴۷- _____، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، چ ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۶۳ ش).

۴۸- _____، رجال الطوسی، چ ۳، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، (۱۳۷۳ ش).

۴۹- _____، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، تحقیق: عبدالعزیز طباطبائی، چ ۱، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، (۱۴۲۰ ق).

۵۰- عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، چ ۱، بیروت: دار الآفاق الجدیدة، (۱۴۰۰ ق).

۵۱- فاضل مقداد، جمال الدین، کنز العرفان فی فقه القرآن، تحقیق: محمد قاضی، چ ۱، قم: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، (۱۴۱۹ ق).

۵۲- فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (۱۴۲۰ ق).

۵۳- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چ ۲، قم: نشر هجرت، (۱۴۰۹ ق).

۵۴- فضل الله، محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، چ ۲، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر، (۱۴۱۹ ق).

۵۵- فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن فولادوند، چ ۱، تهران: دار القرآن الکریم، (۱۴۱۵ ق).

۵۶- فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه قرآن فیض الاسلام، چ ۱، تهران: فقیه، (۱۳۷۸ ش).

۵۷- فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، چ ۲، تهران: الصدر، (۱۴۱۵ ق).

۵۸- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، چ ۲، قم: دار الهجره، (۱۴۱۴ ق).

۵۹- قاضی ابرقوه، اسحاق بن محمد، سیره رسول الله، تحقیق: اصغر مهدوی، چ ۳، تهران: خوارزمی، (۱۳۷۷ ش).

۶۰- کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، چ ۱، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی، (۱۳۳۶ ش).

۶۱- کاویان پور، احمد، ترجمه قرآن کاویان پور، چ ۳، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال، (۱۳۸۱ ش).

- ۶۲- کلاتری، علی اکبر، *الجزیه و احکامها فی الفقه الاسلامی*، چ ۱، قم: مؤسسه نشر اسلامی، (۱۴۱۶ق).
- ۶۳- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، چ ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه، (۱۴۰۷ق).
- ۶۴- مترجمان، ترجمه تفسیر طبری، تحقیق: حبیب یغمایی، چ ۲، تهران: توس، (۱۳۵۶ش).
- ۶۵- مجتبی، جلال الدین، ترجمه قرآن مجتبی، چ ۱، تهران: حکمت، (۱۳۷۱ش).
- ۶۶- مجلسی، محمدباقر، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، چ ۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه، (۱۴۰۴ق).
- ۶۷- مشکینی، علی، ترجمه قرآن مشکینی، چ ۲، قم: الهادی، (۱۳۸۱ش).
- ۶۸- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چ ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۶۸ش).
- ۶۹- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری (خدمات متقابل اسلام و ایران)، چ ۷، تهران: صدرا، (۱۳۸۴ش).
- ۷۰- -----، مجموعه آثار استاد شهید مطهری (عدل الهی)، چ ۷، تهران: صدرا، (۱۳۸۴ش).
- ۷۱- معزی، محمدکاظم، ترجمه قرآن معزی، چ ۱، قم: اسوه، (۱۳۷۲ش).
- ۷۲- مغنیه، محمدجواد، *تفسیر الکاشف*، چ ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه، (۱۴۲۴ق).
- ۷۳- مفید، محمد بن محمد، *المقنعه*، چ ۱، قم: دار المفید، (۱۴۱۰ق).
- ۷۴- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، چ ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه، (۱۳۷۴ش).
- ۷۵- -----، ترجمه قرآن مکارم، چ ۲، قم: دار القرآن الکریم، (۱۳۷۳ش).
- ۷۶- هاشمی شاهرودی، محمود، *موسوعه الفقه الاسلامی المقارن*، چ ۱، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، (۱۴۳۲ق).
- ۷۷- نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، چ ۶، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، (۱۳۶۵ش).
- ۷۸- نسفی، ابو حفص نجم الدین محمد، *تفسیر نسفی*، تحقیق: عزیزالله جوینی، چ ۳، تهران: سروش، (۱۳۶۷ش).